

متن پرسش

با سلام خدمت استاد طاهرزاده و عرض تبریک به مناسبت عید سعید غدیر جناب استاد، حضرت امام (ره) در نامه ی به گورباچوف مطرح می کنند که صدای شکسته شدن استخوان های کومونیسیم را می شنود و از طرف دیگر غرب را به عبارتی می خواهد رجوع دهد به دستگاه ابن سینا و ملاصدرا و ابن عربی. سوالی که بنده دارم این است که این سه بزرگوار در نهایت در تاریخ قبل مدرنیته حاضرند به عبارتی در این دستگاه بنای به تصرف و رجوع ساحت زمین نیست. درست است که عقل تکنیکی تصرف افسار گسیخته و وحشی از زمین بود اما در جنس فلسفه ی سنت بنای رجوع به زمین نیست به همین خاطر طبیعیات و فیزیک سنت چه در ابن سینا و در چه در صدرا و چه در سایرین ظهور زمینی ندارد و در نتیجه اکتشافی از آن رخ نمی دهد و همین محدودیت سنت بود که منجر به ظرف ظهور مدرنیته شد اگرچه مدرنیته ظرف مناسبی نبود اما عقل تکنیکی در عین افسار گسیختگی نشان از حقیقتی بود که سنت در محدودیت خودش نمی توانست با آن مواجه شود. اینکه حضرت امام جریان فلسفه ی غرب را مثلا در مصداق مارکس محکوم به شکسته شدن می داند و از طرف دیگر انسان مدرن را رجوع به صدرا و ابن عربی می دهد، آیا یک مواجهه ایدئولوژیک نیست؟ چه اینکه جنس مسئله ی فلاسفه ی غرب با جنس مسئله ی امثال صدرا متفاوت است و در هر صورت از فیزیک (طبیعیات) صدرا و ابن سینا عقل استفاده و کشف از زمین حاصل نمی شود یعنی بنا نیست نفی و انکار فهم جریان غرب شود بلکه باید صدرا و ابن عربی در تاریخی که مدرنیته فهمید اما ظرف مناسب نداشت به امتداد کشیده شود و نه اینکه رجوع به گذشته کرد. ظاهر کلام حضرت امام به این صورت است که گویا جریان فلسفی غرب فهمی از حقیقت نبرده است و در این راستاست که می خواهد فهم انحصاری ادعا شده ی در صدرا و ابن عربی را جایگزین آنها کند در صورتی که با صرف صدرا و ابن عربی نمی توان در تاریخ مدرنیته حاضر شد چون آسمانی دارند منقطع از زمین و حاصل همین دستگاه است که مدرنیته و عقل تکنیکی و فیزیک نیوتنی عرصه ی حضور پیدا می کنند. به عبارتی حضرت امام به جای مفاهمه ی با مدرنیته و متذکر شدن غفلت آن ها از ساحت آسمان صدرا و ابن عربی در عین اینکه تحسین کند غربی که توانسته است بُعدی از انسان را در ظرف ضعیف عقل تکنیک بفهمد، دست به انکار تاریخ مدرنیته می زند و گویا یک نحوه مواجهه ایدئولوژیک با غرب پیدا کرده است که از این جهت که ظرف خود را ظرف تام و از امکان عبور کرده و به ضرورت رسیده پنداشته است و ظرف غرب را توهمی عاری از هیچ فهم حقیقت.

باسمه تعالی: سلام علیکم: عمده نگاهی است که انسان در مواجهه با غرب باید داشته باشد. اگر در سنت قدسی و عقلانی با غرب مواجه شویم، نه غرب زده می شویم و نه از خرد مدرن بیرون می مانیم و در این مواجهه ابن عربی و صدرا افق های خوبی را در مقابل انسان ها می گشایند زیرا ذات این دو فکر بیش از آن که ایدئولوژیک باشد به «وجود» نظر دارد. رهبر معظم انقلاب «حفظه الله» در توصیف حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» می فرمایند: «یک نمونه ی دیگر از این تحوّل در نگاه به دین و مسائل دینی، پافشاری بر تعبّد بود، در عین نگاه نوگرایانه به مسائل؛ یعنی امام، یک فقیه نوگرا، یک روحانی نوگرا بود؛ به مسائل با چشم نوگرایانه نگاه می کرد؛ در عین حال به شدّت پابند به تعبّد.»

موفق باشید